یادداشت روز

چرا «دولت بی‌سر»؟!

۱- دولت بی‌سر (HEADLESS GOVERMENT) نام پروژه‌ای است که آمریکا و متحدانش با هدف تنش‌آفرینی و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی برای سه کشور ایران، لبنان و عراق تهیه کرده و اجرای آن را از چند ماه قبل کلید زده‌اند. بخش اصلی این پروژه (بخوانید طرح توطئه) حذف رئیس دولت در کشور هدف است. با این تفسیر که وقتی رئیس یک دولت کناره می‌گیرد و یا کنار گذاشته می‌شود، زمینه لازم برای تنش‌آفرینی و برهم‌زدن ثبات و امنیت در آن کشور فراهم می‌شود. در این حالت انتخاب رئیس دولت جدید به آسانی ممکن نیست و معمولاً با اختلاف‌نظرها و برخورد سلیقه‌ها همراه خواهد بود و این دقیقاً همان بی‌ثباتی ایده‌آل و شرایط مطلوبی است که دشمن برای تنش‌آفرینی و ایجاد ناامنی به آن نیاز دارد. از امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام است که خطر دولت بی‌امیر (همان دولت بی‌سر در فرهنگ امروز) را گوشزد کرده و می‌فرمایند «إِنَّهُ لَابُدَّ لِلنّاسِ مِنْ أَمِیرٍ بَرٍّ أَوْ فاجِرٍ؛ از داشتن امیر (رئیس‌دولت) چاره‌ای نیست، خواه نیکوکار و خواه بدکار باشد». این کلام حضرت امام (ره) را هم ببینید: «به نظر من اینطور می‌رسد که نقشه این است که در داخل، این ضربه را به ما بزنند که ما اغتشاش در خودمان پیدا کنیم. یک انتظامی در کار نباشد. اختلافات باشد و یک هرج و مرجی باشد» و حالا در این گفته «مایکل لدین»، کارشناس برجسته و بلندآوازه اندیشکده آمریکن اینترپرایز دقت کنید. می‌گوید «ما خواهان ثبات در ایران، عراق، سوریه، لبنان نیستیم؛ سؤال اصلی نه لزوم یا عدم لزوم بی‌ثباتی در این کشورها است، بلکه چگونگی ایجاد بی‌ثباتی مورد نظر است»!

سخن درباره صلاحیت یا عدم صلاحیت و خوب یا بد بودن رئیس یک دولت در میان نیست، بلکه سخن درباره خطر دولت بی‌سر و پهلو دادن به دشمن برای ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی است و به قول حضرت امیر علیه‌السلام دولت باید سر داشته باشد، چه نیکوکار باشد و چه نباشد.

۲- طرح آمریکایی دولت بی‌سر در لبنان به اجرا درآمد و سعد حریری نخست‌وزیر لبنان که خود از عوامل وابسته به دشمن و با تهیه‌کنندگان طرح همراه بود، در اقدامی غیرمنتظره استعفا داد و این در حالی بود که با توطئه از قبل طراحی شده آمریکا و متحدانش، ارزش پول لبنان (لیر) به شدت کاهش یافته و معیشت مردم این کشور را با سختی فراوان روبه‌رو کرده بود. استعفای حریری اما، نه فقط بهبود شرایط را به دنبال نداشت بلکه کشور لبنان می‌رفت تا با فاجعه منجر به فروپاشی و بلعیده شدن از سوی آمریکا روبه‌رو شود. درایت مثال‌زدنی سید حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان، مانند همیشه به کار گرفته شد و توطئه دشمن ناکام ماند. سعد حریری که در همراهی با توطئه آمریکا و متحدانش استعفا داده بود تا طرح دولت بی‌سر به نتیجه برسد امروزه در پی شکست و ناکامی آن توطئه برای پست نخست‌وزیری لبنان اعلام آمادگی کرده است! شاید- و به احتمال قوی- با این انگیزه که در توطئه دیگری به کار گرفته شود.

۳- متاسفانه گام اول، طرح دولت بی‌سر به‌دنبال یک غفلت ناخواسته در کشور عراق هم به اجرا در آمد و عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر مؤمن و متعهد دولت عراق مجبور به استعفا شد. شاید برخی از نیروهای مؤمن ولی بیش از اندازه خوش‌باور عراق تصور نمی‌کردند که با استعفای عادل عبدالمهدی به ناکجاآباد طرح دولت بی‌سر وارد شده‌اند و برخلاف انتظارشان نتیجه ورود به این وادی تحمل برخی از بی‌ثباتی‌ها، ناامنی‌ها و حتی تلاش‌های سؤال‌برانگیز جریانات غربگرا -و بعضاً وابسته به غرب- برای عبور از ارزش‌هایی باشند که خون پاک و مطهر فرزندان مؤمن و انقلابی عراق پای آن ریخته شده است. اگرچه خوشبختانه با درایت مرجعیت و هوشیاری مردم غیور عراق این توطئه رو به افول گذاشته است.

۴- طرح توطئه‌آمیز «دولت بی‌سر» علیه جمهوری اسلامی ایران هم کلید خورد و به صحنه آمد و به یقین می‌توان گفت که ایران اسلامی اصلی‌ترین هدف آن بوده است چرا که ایران خاستگاه، اردوگاه و پشتیبان نهضت مقاومت در سراسر منطقه و جهان است. بنابراین به آسانی می‌توان نتیجه گرفت توطئه یاد شده، قبل از همه روی ایران اسلامی که خاستگاه و اردوگاه اصلی مقاومت است هدف‌گذاری شده و به صحنه آمده باشد. اما چگونه؟ بخوانید!

از چند ماه قبل یعنی دقیقاً همزمان با کلید خوردن طرح مورد اشاره از سوی دشمنان بیرونی، برخی از مدعیان اصلاحات -تاکید می‌شود که نه همه آنها- و غربزدگان داخلی که تا آن هنگام با همه توان و تمام‌قد از دولت آقای روحانی حمایت می‌کردند و کمترین انتقادی به ایشان و دولتشان را برنتافته و علیه منتقدان یقه چاک می‌دادند، به‌ناگاه و در یک چرخش یکصد و هشتاد درجه‌ای دولت آقای روحانی را ناکارآمد و ناموفق در تامین خواسته‌های مردم معرفی کرده و خواستار استعفای ایشان شدند! موج دعوت رئیس‌جمهور به استعفا در قالب مصاحبه و مقاله و گزارش صفحات اصلی بسیاری از سایت‌ها، کانال‌ها و روزنامه‌های زنجیره‌ای و مدعی اصلاحات را به خود اختصاص دادند و کار به آنجا کشید که آقای واعظی رئیس دفتر آقای روحانی صدا به اعتراض بلند کرده و خطاب به مدعیان اصلاحات گفت: «اگر الان اصلاح‌طلبان منتقد شدند که البته همه آنها نیستند، انتقاد به رفقای خودشان هست که در داخل دولت هستند. حداقل اگر مراعات بقیه اعضای دولت را نمی‌کنند مراعات حال رفقا و همفکران خود را بکنند»! در همان حال، رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه که همواره با طیف یاد شده همراه و همسو بوده‌اند -بخوانید طیف یاد شده با آنها همسو بوده‌اند- نیز تغییر جهت داده و به جای دفاع از دولت، ساز استعفای رئیس‌جمهور را کوک کرده و در آن دمیدند.

۵- تکلیف رسانه‌های تابلودار دشمن که معلوم است و کمترین تردیدی در میان نیست که اصرار آنها بر استعفای آقای روحانی برای برطرف شدن مشکلات پیش روی نیست چرا که خود عامل بسیاری از مشکلات هستند و نه فقط رفع آن بلکه ادامه و سخت‌تر و بیشتر شدن مشکلات را دنبال می‌کنند. و در سوی دیگر ماجرا، اکثریت قریب به اتفاق آن عده از مدعیان اصلاحات که در شیپور استعفای رئیس‌جمهور می‌دمند، کسانی هستند که در کارنامه سیاه خود ننگ وطن‌فروشی در فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ را دارند. ضمن آنکه تغییر جهت یکصد و هشتاد درجه‌ای آنها از حمایت روحانی به درخواست استعفای ایشان به تنهایی برای اثبات عدم صداقت آنان کافی است و...

۶- و اما، با تاکید بر اینکه دولت آقای روحانی را در بسیاری از موارد ناکارآمد می‌دانیم، سؤال این است که چرا طیف‌های یادشده داخلی و دشمنان بیرونی در استعفای روحانی همصدا شده‌اند؟! کدام انسان کم‌عقلی می‌تواند باور کند که آنها با انگیزه خیر و صلاح و در پی رفع مشکلات به میدان آمده و استعفای آقای روحانی را فریاد می‌زنند؟! و آیا می‌توان کمترین تردیدی داشت که آنچه طیف مورد اشاره داخلی و دشمنان قسم‌خورده بیرونی را در نقطه استعفای رئیس‌جمهور گردهم آورده است همان طرح آمریکایی «دولت بی‌سر» است؟!

۷- اکنون و بالاخره سخنی برادرانه با طیف امیدآفرین نمایندگان متعهد و انقلابی مجلس شورای اسلامی در میان است و آن اینکه آیا تصور نکرده و یا لااقل احتمال نمی‌دهید که تصمیم اخیر شما عزیزان بزرگوار برای استیضاح رئیس‌جمهور آب ریختن ناخواسته به آسیاب توطئه «دولت بی‌سر» دشمن باشد؟! تردیدی نیست که ناکارآمدی برخی از دولتمردان و بی‌توجهی دولت به مشکلات پیش روی مردم انگیزه شما در استیضاح رئیس‌جمهور است. اما، آیا برای پیشگیری از این نتیجه تلخ که خدای ناخواسته، حاصل کارتان به سبد دشمن ریخته شود نیز فکری کرده‌اید؟!

حسین شریعتمداری

بلومبرگ: اقتصادی که ترامپ تلاش کرد نابود کند با «ساخت ایران» در حال رونق گرفتن است

بلومبرگ با اشاره به سیاست اقتصاد مقاومتی در ایران نوشت: «ساخت ایران» روزنه امیدی است در بحبوحه مشکلات اقتصادی به وجود آمده از سقوط بازار نفت و تحریم‌ها و همه‌گیری ویروس کرونا.

به گزارش تسنیم به نقل از بلومبرگ، برای آغاز یک کسب و کار جدید در ایران زمانی بدتر از این وجود نداشته است. حتی قبل از اینکه مقامات جمهوری اسلامی به مردم در مورد شیوع ویروس کرونا هشدار دهند، اقتصاد این کشور از تحریم‌های آمریکا آسیب دیده بود.

برای سه فارغ‌التحصیل رشته طراحی یک بازار چند ده میلیونی ارزش ریسک کردن دارد. یک برند خاص توانسته از اول تابستان هزاران تاپ و شلوار جین بفروشد.

«ساخت ایران» روزنه امیدی است در بحبوحه مشکلات اقتصادی به وجود آمده از سقوط بازار نفت و تحریم‌ها و همه‌گیری ویروس کرونا. در کشوری که زندگی بسیاری از مردم تحت تاثیر تحریم‌های غربی قرار گرفته، برخی برندها خلأ کالاهای مصرفی را پر می‌کنند.

یکی از موسسان این برندها می‌گوید: «ما فقط می‌دانیم این کار موثر خواهد بود چون هم خودمان و هم بسیاری از افراد اطرافمان بسیار نیازمند کالاهای اساسی و ساده هستیم.»

برند مذکور از منسوجات بافته شده در کارخانه‌ای در شهر خوی استفاده می‌کند و نیازی به واردات ندارد. نبود رقابت از طرف برندهای جهانی و قیمت پایین نیروی کار قیمت این برند را در حد قابل قبولی نگه داشته و حاشیه سود خوبی دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران مدت‌هاست سیاست اقتصاد مقاومتی را در کشور تشویق می‌کند. قرار بود قرارداد برجام ایران را به بازارهای بین‌المللی بازگرداند ولی دونالد ترامپ با نقض این قرارداد حمله به اقتصاد ایران را آغاز کرد.

یکی از اولین چیزهایی که با آغاز تحریم‌ها از بازار ایران محو شد، مغازه‌های پوشاک با برندهای خارجی بود. ترکیب سقوط ارزش ریال که ضربه سختی به قدرت خرید مصرف‌کنندگان زد و ممنوعیت دولتی بر واردات صدها کالای غیر ضروری مثل پوشاک، باعث نابودی صنعت خرده‌فروشی شد. کاهش واردات باعث کمبود کالاهایی مانند شامپوهای خارجی شده که قیمت آنها سر به فلک کشیده بود.

مقامات ایران سعی دارند بخش خصوصی و صادرات به کشورهای همسایه را توسعه دهند ولی بزرگ‌ترین صنایع تولید بومی ایران مثل خودروسازی هنوز گرفتار تحریم‌ها و فساد هستند. همه گیری ویروس کرونا هم در این بین تجارت بین مرزی را متوقف کرده است. اما بسیاری از شرکت‌های کوچک عملکرد بهتری داشته اند، با وجود اینکه تولید ناخالص داخلی ۱۲ درصد از ۲۰۱۸ کوچک‌تر شده است.

اقتصاد ایران همچنان با مشکلات فراوانی روبروست. آمار ابتلای روزانه به کرونا در این کشور افزایش یافته و محدودیت‌های حمل‌ونقل در پنج شهر بزرگ از جمله تهران اعمال شده است.

بسیاری از کالاهای اساسی که در ایران ساخته می‌شوند هنوز هم قیمت بالایی دارند چون برای برخی قطعات خود نیازمند واردات هستند

اسناد جدید نشان می‌دهند

FATF چشم خود را بر پولشویی‌های کلان در آمریکا و اروپا بسته است

دو مرکز بوزفیدنیوز و کنسرسیوم بین‌المللی تحقیقات خبرنگاران در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰ (۳۰ شهریور ۱۳۹۹) تعداد قابل توجهی از اسناد اداره نظارت بر تراکنش‌های مالی و بانکی مشکوک در خزانه‌داری آمریکا را منتشر نمودند. تعداد این اسناد ۲۶۵۷ سند ذکر شده است. به موجب این اسناد که از آنها به عنوان FinCEN Leak نام برده شده است، طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۷ حدود ۲۰۰ هزار تراکنش پولی مشکوک به پولشویی توسط بانک‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی مثل جی‌پی مورگان شاسه، اچ‌اس‌بی‌سی، استاندارد چارترز، دویچه بانک، بانک نیویورک ملون، بانک بارکلی، بانک مرکزی امارات، سوسیته جنرال به ارزش ۲ تریلیون دلار به وقوع پیوسته است. به عبارتی در ۱۸ سال مذکور سالیانه بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار پولشویی توسط این بانک‌های اروپایی و آمریکایی تحقق یافته در حالی‌که ظاهرا گزارش تمام تراکنش‌های این بانک‌ها تحت نظارت گروه ویژه اقدام مالی (FATF) قرار داشته و این موارد مشکوک نادیده گرفته شده‌اند.

رویداد مذکور که بیانگر استانداردهای دوگانه نظارت بین‌المللی بر پولشویی برای کشورهای صنعتی از یک سو و سایر کشورها از سوی دیگر می‌باشد در حوزه حقوق‌بشر نیز به صورت برخورد متفاوت و دوگانه نهادهای حقوق‌بشر بین‌المللی با نقض حقوق‌بشر از سوی کشورهای صنعتی و پیشرفته از یک طرف و کشورهای در حال توسعه و همچنین کمتر توسعه‌یافته از طرف دیگر مشاهده می‌گردد.

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در واقع حاصل تصمیم‌گیری کشورهای صنعتی عضو گروه ۷ در سال ۱۹۸۹ می‌باشد. (۳۱ سال قبل) هم‌اکنون ۳۷ کشور به‌علاوه اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج‌فارس اعضای این گروه هستند. ۳۰ کشور و سازمان بین‌المللی نیز شامل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان‌ملل نیز در این گروه عضویت ناظر دارند. لازم به ذکر است، تعداد ۹ ساختار منطقه‌ای گروه ویژه اقدام مالی نیز در مناطق شرق آسیا پاسفیک، اورآسیا، کارائیب، شرق و غرب آفریقا، خاورمیانه و شمال آفریقا، آمریکای لاتین، فعال هستند. رسوایی مذکور ضرورت بازنگری در فرآیند کار نهادهای بین‌المللی نظارتی بر پولشویی را متذکر می‌شوند. لذا به نظر می‌رسد این موضوع جزو دستور کار اجلاس آتی گروه ۷ خواهد بود.

درباره این اسناد چند نکته وجود دارد؛

۱- حدود ۶۰ درصد اسناد منتشر شده مربوط به دویچه بانک آلمان می‌باشد.

۲- پاکستان که مدتی است، تحت فشار گروه ویژه اقدام مالی قرار داشته و در لیست خاکستری این گروه قرارداد متعاقب انتشار اسناد اداره نظارت بر تراکنش‌های مالی و بانکی مشکوک در خزانه‌داری آمریکا به شدت از عملکرد تبعیض‌آلود گروه ویژه اقدام مالی در مورد پاکستان در مقابل کشورهایی مثل هند انتقاد نموده است. روزنامه ملت پاکستان گروه ویژه اقدام مالی را به غفلت متهم نموده و افزوده است، سهم پاکستان از حجم عظیم پولشویی در دوره زمانی مذکور فقط ۲ و نیم میلیون دلار بوده است. روزنامه دیلی تایمز نیز در این زمینه این سوال را مطرح نموده است که آیا گروه ویژه اقدام مالی فقط مسئول نظارت بر پاکستان است؟

۳- متعاقب انتشار اسناد مذکور موسسات فعال در حوزه رمزارزها و بلاک‌چین که همواره از سوی نظام بین‌المللی مالی بین‌المللی به ایفاد نقش در زمینه پولشویی متهم بودند این موضوع را عنوان کردند که انتشار این اسناد ثابت نمود که نظام غیربلاک‌چین بیشتر از رمزارزها در معرض پولشویی هستند.

۴- با وجود اینکه انتشار این اسناد بیانگر ضعف ساختاری نظام بین‌المللی نظارت بر پولشویی و به تبع آن قدرت اعمال تحریم‌های بین‌المللی آمریکا و متحدانش تلقی می‌شود لکن نتیجه مسلم آن بازنگری در فرآیند نظارت‌ها در این حوزه و تشدید نظارت‌ها و افزایش هزینه برای کشورهای تحت تحریم برای تراکنش‌های مالی بین‌المللی خواهد بود.

گفت و شنود

هندونه !

گفت: چه خبر؟!

گفتم: یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای نوشته، مردم باید قدر دلار ۳۲ هزار تومانی را بدانند!

گفت: زنجیره‌ای‌ها که مردم را می‌ترساندند اگر روحانی رئیس‌جمهور نشود ممکن است قیمت دلار حتی به ۵ هزار تومان هم برسد! چی شده که حالا می‌گویند مردم باید قدر دلار ۳۲ هزار تومانی را بدانند؟!

گفتم: وقتی مدیر این روزنامه در مجلس، مجیزگوی دولت بود و بعد از ردصلاحیت، در وزارت نفت پست نان و آب‌دار گرفته، باید هم روزنامه‌اش پاچه‌خواری کند!

گفت: پس تکلیف شرم و حیا و غیرت و... چه می‌شود؟!

گفتم: یارو هندوانه دزدیده بود و مشغول خوردن بود. بهش گفتند حرام است. گفت؛ من به حلال و حرامیش کار ندارم! به خاطر خنکی و شیرین بودنش می‌خورم!

خطیب‌زاده در نشست خبری:

ایران در سال‌های اخیر توسعه برنامه موشکی و سیاست منطقه‌ای خود را تغییر نداده است

سخنگوی وزارت خارجه گفت: ایران در سال‌های گذشته نه برنامه نظامی، و نه توسعه برنامه موشکی و نه سیاست منطقه‌ای خود را تغییر نداده است.

سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری با اصحاب رسانه در پاسخ به این سوال که از منظر ایران ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواهد شد یا بایدن گفت: واقعیت این است که برای ایران به خاطر استقلالی که دارد تفاوتی نخواهد کرد که ترامپ انتخاب شود یا بایدن.

خطیب‌زاده افزود: مسلم است که ما از نزدیک دنبال می‌کنیم. اما به این مفهوم نیست که ترجیحی باشد که این ببرد یا آن ببرد.

وی در ادامه با اشاره به توافقات صورت گرفته بین رژیم‌های عربی و رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط گفت: فروکاستن اتفاقی که بین معدودی از حکام عربی با اسرائیل این روزها می‌بینید، فقط موضوع داخلی آمریکا و ترامپ نیست. فکر می‌کنند که آینده سیاسی خود را می‌توانند در آمریکا بازتعریف کنند. امنیت، کالای خریدنی نیست و به صورت بومی تولید می‌شود.

سخنگوی وزارت خارجه اظهار داشت: شما تظاهرات در رژیم صهیونیستی را می‌بینید. فاسدترین نخست وزیر رژیم صهیونیستی سرکار است. جالب است که سیاستمداران بد و فاسد همدیگر را خوب پیدا می‌کنند.

خطیب‌زاده خاطرنشان کرد: ایران در سال‌های گذشته نه برنامه نظامی، و نه توسعه برنامه موشکی و نه سیاست منطقه‌ای خود را تغییر نداده است.

وی تصریح کرد: ۹۰ درصد نیازهای دفاعی ایران طبق گفته وزیر دفاع در داخل تولید می‌شود. البته ایران مثل آمریکا نیست که سلاح‌ها برای کشتار مردم یمن را نمایش دهد.

به گزارش تسنیم، سخنگوی وزارت خارجه درباره تحولات قره‌باغ و درگیری نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان گفت: ما بسیار نگران تحولات هستیم و با دو طرف هم در ارتباط هستیم. آنها نباید اجازه دهند که کار از دست خارج شود. به شهرها حمله نکنند. ما هم مثل سایر کشورهای منطقه سعی کرده‌ایم که کمک‌حال آنها باشیم. آنچه ما دیده‌ایم بسیار نگران‌کننده است.

دولت، تورم را مهار کند دیگر مشکلات اقتصادی مهار می‌شود

یک کارشناس اقتصادی از وزیر صمت خواست برای حفظ «قدرت خرید» برنامه ارائه کند.

مسعود دانشمند به روزنامه آرمان گفت: حرف اصلی این است که ما چگونه می‌توانیم اشتغال را توسعه دهیم و تورم را کنترل کنیم تا قدرت خرید مردم افزایش یابد؟ وزیر جدید باید در این مورد برنامه ارائه کند وگرنه با یک گردش در سطح شهر هر کالایی را به هر اندازه که بخواهید موجود است. هر نوع کالایی را که مردم بتوانند بخرند و هر اندازه که نیاز داشته باشند قابل تهیه است، اما قیمت‌های فزاینده و بالا و توان پایین مردم در خرید، اجازه تأمین نیازشان را نمی‌دهد. تخم‌مرغ دو هزار تومانی، پنیر کیلویی ۱۰۰ هزار تومانی و گوشت را چگونه مردم با حقوق ماهیانه دو تا سه میلیون تومان می‌توانند تهیه کنند؟ موضوع این است که فاصله زیاد بین قیمت کالاها و دستمزدها باعث شده تا مردم قدرت خرید خود را از دست بدهند. بنابراین حرف آقای وزیر تازه به کرسی نشسته باید این باشد که بتواند قدرت خرید مردم را افزایش دهد، تورم را کنترل کرده و اشتغال را توسعه دهد. نباید مانند مدیرانی حرف بزنیم که گفتند حقوق کارکنان دولت را ۲۵ درصد افزایش می‌دهند؛ این کار قیمت کالا و خدمات و... را ۳۰ درصد افزایش خواهد داد و فاصله باز هم بیشتر می‌شود و به همین دلیل باید فاصله بین دستمزد و قیمت را کاهش دهیم. کاهش این فاصله اولاً از اشتغال و دوما از کنترل تورم حاصل خواهد شد.

وی در پاسخ این سؤال که در مدت زمان باقی مانده برای دولت دوازدهم، آیا زیرساخت‌ها برای اجرای برنامه‌های وزیر جدید صمت مهیاست؟» می‌گوید: ما نباید به این فکر کنیم که چون یکسال از دوره این دولت باقی مانده باید همه کارها در این مدت انجام شود، با پایان کار این دولت، کشور همچنان به راه خودش ادامه خواهد داد، بنابراین باید برنامه را برای دوره پنج یا ۱۰ ساله بریزیم و اگر برنامه‌ریزی درست باشد هر دولت دیگری هم سر کار بیاید ناچار به ادامه همین برنامه است. مگر ما در حال حاضر برنامه پنج ساله و هفت ساله نداریم؟ داریم و هر دولتی هم که بیاید باید برنامه پنج ساله را اجرا کند. مگر ما افق ۱۴۰۴ نداشتیم؟ بنابراین دولت‌ها موظف هستند طبق برنامه مصوب مجلس عمل کنند و حتی اگر برنامه نقص دارد باید اصلاحیه آن را به مجلس ببرند و بعد از اصلاح، برنامه را ادامه بدهند.

مسعود دانشمند با اشاره به نیمه تعطیلی برخی واحدهای تولیدی گفت؛ اینکه این واحدها مواد اولیه ندارند، قیمت‌ها بالاست، سرمایه در گردش آن کم است و نمی‌تواند مواد اولیه بخرد و تولید کند، حقوق کارگر را با قیمت فروش کالاهایش نمی‌تواند پرداخت کند، مردم قدرت خرید کالاهایی که تولید می‌شود را ندارند پس سرمایه‌اش برنمی‌گردد؛ مشکلاتی هستند این واحدها را در یک چرخه باطل قرار داده است. برای اینکه بتوانیم این چرخه را در مسیر مثبت قرار دهیم باید تورم را کنترل کرده و سرمایه در گردش را بالا ببریم و قیمت کالای تمام شده در این واحد تولیدی را با افزایش بهره‌وری در حد قابل قبول کاهش دهیم.

رئیس شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان هیچ رأیی در جامعه ندارد

عضو فراکسیون مشارکت در مجلس ششم، در ادبیاتی تندخطاب به محمدرضا عارف گفت او را نصیحت می‌کنم با نامزدی در انتخابات، بیش از این با آبروی خودش و اصلاح‌طلبان بازی نکند.

محمدرضا عارف نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ بود که تحت فشار اصلاح‌طلبان- و به خاطر رأی ۸ درصدی- مجبور به انصراف شد. او ضمناً سرلیست اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس دهم (سال ۹۴) بود اما عملکرد فراکسیون امید و دولت همسو موجب شد که فهرست‌های اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس ۹۸ با بی‌اعتنایی مطلق مردم روبه‌رو شود و عارف و موسوی بدون اعلام رسمی، از ریاست و معاونت شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان استعفا دهند.

اکنون در حالی که زمزمه نامزدی عارف برای انتخابات ۱۴۰۰ مطرح است، ناصر قوامی از سران اصلاح‌طلبان در استان قزوین به نامه‌نیوز می‌گوید: عارف دوره‌اش از نظر سیاسی تمام شده است و با توجه به انتقادهایی که به عملکرد او وجود دارد مردم و نیروهای سیاسی پذیرای او نیستند. آقای عارف امتحانش را پس داده است و در مجلس دهم دیدیم که فقط بر صندلی نشسته بود و نظاره می‌کرد و در قبال این همه مشکلات و ناهنجاری‌های موجود صرفاً سکوت کرد. حتماً اصلاح‌طلبان با توجه به چنین عملکردی نظر مثبتی نسبت به او ندارند و من به او نصیحت می‌کنم که در انتخابات شرکت نکنند زیرا رأیی ندارد و هم بیش از این آبروی خودش را می‌برد و هم باعث خدشه‌دار شدن حیثیت اصلاح‌طلبی می‌شود.»

او ادامه داد: «آقای عارف بهتر است به جای آن که زودتر از همه بگوید در انتخابات شرکت می‌کنم قدری به عملکرد خودش و واکنش‌های مردم در این چند سال به عملکردش نگاه کند تا نسبت به جایگاه سیاسی خود واقف شود».

این فعال اصلاح‌طلب در پاسخ به این پرسش که ممکن است بخشی از بدنه سیاسی اصلاح‌طلبان از او حمایت کنند، تصریح کرد: «قطعاً حداقل ۸۰ درصد اصلاح‌طلبان با آقای عارف مخالف هستند و شاید ۲۰ درصد افراد محافظه‌کار اصلاح‌طلب آن هم در شرایطی و باز هم تأکید می‌کنم شاید از آقای عارف حمایت کنند. به نظر من اصولگرایان بیش از همه از ورود عارف به انتخابات استقبال می‌کنند زیرا آنها تمایل

خبر ویژه

دارند که عارف بیاید و با یک شکست سنگین حیثیت اصلاحات برود زیرا پرواضح است که آقای عارف هیچ رأیی در جامعه ندارد و اصولگرایان علاقه دارند عارف ضربه سنگینی به جریان اصلاحات بزنند.»

او در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر اینکه در شرایطی که عارف و لیست امید با حمایت و اعتماد محمد خاتمی وارد مجلس شدند، آیا رئیس دولت اصلاحات هنوز به عارف اعتماد دارد، اظهار کرد: «آقای خاتمی عاقل‌تر از آن است که از آقای عارف حمایت کند زیرا عارف به حیثیت آقای خاتمی هم آسیب‌زد.»

در همین حال غلامعلی جعفرزاده از اعضای فراکسیون حامی دولت در مجلس دهم نیز گفت: اصلاح‌طلبان دیگر به هیچ روشی نمی‌توانند مردم را پای صندوق رأی بیاورند. به آقای محمدرضا عارف نیز توصیه می‌کنم با توجه به کارنامه نامناسبش در مجلس دهم اصلاً برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری اقدام نکند.

وی درباره علت بی‌اعتنایی اصلاح‌طلبان به تلاش عارف برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری ادامه داد: عارف دیگر فرصتی برای مورد اجماع قرار گرفتن میان اصلاح‌طلبان ندارد. کارنامه بسیار منفی او در مجلس دهم و ضربه‌ای که به جریان اصلاح‌طلبی و اعتدال زد، حتی اگر نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شود با اقبال مردم مواجه نخواهد شد. این نماینده ادوار مجلس با بیان اینکه اصلاح‌طلبان از عارف عصبانی هستند، یادآور شد: غالب اصلاح‌طلبان دل‌خوشی از آقای عارف ندارند چون نتوانست نقش خوبی را در مجلس دهم ایفا کند. او اگر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شود ۳۰۰-۲۰۰ هزار رأی بیشتر نمی‌آورد. حداکثر و در خوشبینانه‌ترین حالت زیر ۵۰۰ هزار رأی خواهد داشت.

روند نزولی ساخت مسکن در دوره ۷ ساله دولت روحانی

روند ساخت‌وساز مسکن ظرف ۷ سال گذشته، در اثر سوءتدبیرهای مدیریتی، همواره کاهشی بوده است.

روزنامه دنیای اقتصاد از روزنامه‌های حامی‌دولت در گزارشی خاطرنشان کرد: آمار رسمی از تیراژ ساخت مسکن طی اولین فصل سال ۹۹ نشان می‌دهد در صورت تداوم اوضاع بهار، «عرضه» برای هفتمین سال متوالی با کسری قابل توجه روبه‌رو خواهد شد. بررسی‌ها درباره علت این وضعیت- مطابق آنچه از نبض ساخت‌وساز در پنج کلانشهر تشریح شده- مشخص می‌کند چشمه‌های رکود ساختمانی هم از بیرون بازار ملک و هم از درون این بازار فعال است؛ به‌طوری که شوک‌های ارزی دست‌کم یک سال اخیر، رشد شدید قیمت مصالح ساختمانی و همچنین تورم زمین به ترتیب بیشترین مانع را مقابل فعالیت سازنده‌ها ایجاد کرده است. بازار ساخت‌وساز واحدهای مسکونی در شهر تهران هم اکنون در شرایط رکودی به سر می‌برد، تحقیقات میدانی «دنیای اقتصاد» درباره آخرین وضعیت و چشم انداز فعالیت‌ها وسرمایه‌گذاری‌های ساختمانی در ۵ کلان شهر دیگر کشور با استناد به اظهارات مدیران ارشد جامعه انبوه‌سازی در این کلان شهرها و همچنین سایر فعالان ساختمانی نشان می‌دهد نگاه جامعه حرفه‌ای ساخت‌وساز به آینده این حوزه، نگاهی دوگانه است.

به اعتقاد آنها در شرایط فعلی سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های ساختمانی به میزان قابل توجهی در مقایسه با سال‌های قبل کاهش یافته است و عمده ساخت‌وسازهایی که هم اکنون در سطح کلان شهرها در حال انجام است مربوط به پروانه‌های ساختمانی صادر شده در سال‌های قبل- عمدتاً سال‌های ۹۷ و ۹۸- است. از ابتدای امسال تاکنون روند ساخت‌وسازهای جدید مربوط به پروانه‌های صادر شده در سال ۹۹ روندی نزولی بوده است و بخش عمده کارگاه‌های ساختمانی فعال در سطح این کلانشهرها مربوط به پروانه‌هایی که امسال صادر شده‌اند، نیست. سازنده‌ها وفعالان ساختمانی که هم اکنون از ۵ جهت مختلف تحت فشار قرار گرفته و در اصطلاح در منگنه یا محاصره قرار دارند فعالیت‌های ساختمانی را بر اتمام پروژه‌های در دست ساخت و نیمه تمام متمرکز کرده‌اند و به همین علت درخواست‌ها برای صدور پروانه‌های ساختمانی هم‌اکنون و بنا بر اذعان سازنده‌های فعال در این ۵ کلانشهر نیز با کاهش همراه شده است. با این حال، امیدواری عده‌ای از سازنده‌ها بابت ایجاد ثبات نسبی در بازارهای موازی بازار مسکن به خصوص بازار سرمایه(بورس) و بازار ارز در سال ۱۴۰۰ این پیش‌بینی را پیش روی آنها قرار داده است که در نتیجه ایجاد این ثبات نسبی ورود سرمایه به بخش خرید مسکن به‌عنوان حوزه امن و کم ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یافته و با فروش واحدهای آماده عرضه شرایط برای فاز جدید سرمایه‌گذاری ساختمانی به منظور اجرای پروژه‌های جدید از سوی سازنده‌ها مهیا شود.

بازار ساخت‌وساز کشور از سال ۹۳ تاکنون در رکود قرار دارد و هم‌اکنون دامنه رکود ساختمانی در این کلانشهرها بیشتر شده است. در بهار امسال مجموعا پروانه ساخت برای ۱۰۲ هزار واحد مسکونی صادر شد. اگر این رقم در فصل‌های بعد سال جاری هم تکرار شود وضعیت ساخت وساز در سال ۹۹ مشابه ۶ سال گذشته- از سال ۹۳ تا ۹۹- خواهد بود که به دلیل قرارگیری آمار کلی ساخت‌وساز کشوری حول‌وحوش ساخت متوسط سالانه ۴۰۰ هزار واحد مسکونی، این بازار در شرایط رکودی قرار داشت.

مغالطه نکنید آقای مرعشی قصه چوب خشک را که یادتان هست؟!

سخنگوی کارگزاران می‌گوید: هرکس نمی‌تواند با رهبری هماهنگ باشد، نباید نامزد انتخابات شود.

خبرآنلاین از مرعشی پرسیده «شرایط کشور به این سمت و سویی رفته که اصلاح‌طلبان هم منتقد عملکرد آقای روحانی هستند. ضعف اصلی کجاست؟ واقعاً تیم دیپلماسی و اقتصادی کشور ضعیف بوده و حالا گزینه‌های بهتری برای جایگزینی آنها و برای بهبود شرایط وجود دارد؟». او پاسخ داد: اولین مسئله‌ای که به آن توجه داریم و من همیشه روی آن تاکید می‌کنم و دولت اول آقای روحانی هم آن را تجربه کرد این است که رئیس‌جمهور موفق در این ساختار فعلی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهوری است که بتواند قدرت رهبری را پشت سر دولت بیاورد. آقای روحانی در دور اول به حد زیادی موفق بود؛ برجام که مهم‌ترین دستاورد دوره آقای روحانی است و آثار آن هم در دولت اول آقای روحانی آشکار شد، نتیجه ترکیب سه عنصر بود: اراده رئیس‌جمهور، به‌کارگیری بهترین دیپلمات‌های ایران و حمایت رهبری. کار به این مهمی بدون حمایت رهبری انجام نمی‌شد.

وی افزود: اما آقای روحانی این تجربه موفق دوران ریاست جمهوری خودش را در بقیه مسائل کشور ادامه نداد و از این موفقیت استفاده نکرد. شکاف بین رئیس‌جمهور و رهبری در ایران نه به نفع رهبری، نه به نفع رئیس‌جمهور و نه به نفع مردم است. بنابراین سیاست روشنی که ما به هرکسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور آینده شود توصیه می‌کنیم این است که اگر نمی‌تواند در یک چهارچوبی حرکت کند که قدرت رهبری را پشت سر دولت بیاورد بهتر است که رئیس‌جمهور نشود تا مردم را معطل نکند.

مرعشی همچنین گفت: مردم کشور دیگر طاقت و توان این کشمکش‌ها را ندارند که مثلا بالاخره این FATF خوب است یا بد است، اینکه FATF خوب است یا بد است باید بین رئیس‌جمهور و رهبری نهایی شود. اگر لازم نیست، چرا آن‌قدر رئیس‌جمهور روی آن اصرار می‌کند و اگر لازم است چرا رهبری قانع نمی‌شود؟ این موضوع، اختلاف آقای روحانی با مجمع تشخیص نیست. ما طبق قانون اساسی یک مقامی به نام رهبری داریم که هماهنگ‌کننده قوای سه‌گانه است.

سخنگوی کارگزاران گفت: مردم دیگر به تنگ آمده‌اند، صبح که بیدار می‌شوند همه کالاهایی که دیروز خریده‌اند ۱۰ الی ۱۵ درصد گران‌تر شده؛ این چه اداره‌ای است؟ یک جای کار اشکال دارد. اگر آقای روحانی نمی‌تواند کشور را اداره کند کنار برود و اگر می‌تواند ادامه دهد. با مردم و مصالح مردم و کشور نمی‌شود شوخی کرد. هرکسی که می‌خواهد وارد این میدان شود اگر می‌تواند با این مجموعه کار کند بیاید؛ زمانی که کاندیدها می‌خواهند رئیس‌جمهور شوند همه چیز خوب است و همه می‌گویند من این کار را می‌کنم و... اما زمانی که رئیس‌جمهور می‌شوند می‌گویند که به ما اجازه انجام این کارها را نمی‌دهند (اما همه اینها از قبل مشخص بوده است)؛ ما ولایت فقیه، سپاه، شورای نگهبان، مجلس، قوه قضاییه و... داریم و ترکیب آنها و شرایط‌شان کاملا مشخص است.

درباره اظهارات مرعشی گفتنی است: اولاً به لحاظ شرعی و قانونی رئیس‌جمهور و دیگر سران قوا باید با رهبری هماهنگ باشند. ثانیاً امام(ره) و رهبری همواره از دولت و رئیس‌جمهور مستقر برای پیشبرد اهداف حمایت کرده‌اند به عبارت دیگر، نوعاً این ولی فقیه بوده که برای رعایت مصالح کلان کشور، تنازل کرده و به حمایت از دولت و رئیس‌جمهور اولویت بخشیده؛ اما از آن‌سو، در بسیاری از مواقع، دولت‌ها مرتکب قصور و تقصیر در هماهنگی شده‌اند.

در ماجرای برجام نیز، دولت نتوانست خطوط قرمز نظام و رهبری را مراعات کند و اتفاقاً خسارت‌های برجام، ناشی از این کوتاهی در مراعات مصالح ملی در نگارش و اجرای برجام بود.

با این وجود و در حالی که نیمی از منتقدان اصولگرا، برخی اصلاح‌طلبان نیز با انگیزه‌های متفاوت، خواستار استعفا و استیضاح و برکناری رئیس‌جمهور بودند، رهبری بیشترین حمایت‌ها را از دولت و رئیس‌جمهور انجام دادند؛ چراکه مصلحت‌های بالاتری را می‌دیدند. در واقع در اینجا حیثیت والای رهبری برای صیانت از دولت - و ثبات سیاسی کشور - هزینه شد.

ثالثاً غیر از اختیارات قانونی، رئیس‌جمهور اختیارات متعددی هم از رهبری گرفتند که از جمله آن، تسریع در تدابیر مدنظر دولت از طریق جلسه سران سه قوه، اعطای مجوزهای متعدد برای برداشت از صندوق توسعه ملی و... بود. این اختیارات آن‌قدر گسترده بود که سعید لیلاز عضو مرکزیت حزب کارگزاران به یورونیوز گفت: اختیاراتی را که رهبری به رئیس‌جمهور داده، اگر به چوب خشک می‌دادند، وضعیت اقتصادی بهتر از این بود.

بنابراین تلاش موذیانه مرعشی برای فضاسازی در این باره که گویا رهبری، مانع مدیریت دولت است، تحریف‌گری و خلاف واقع است. در موضوع FATF نیز، مسئله به رهبری برنمی‌گردد چرا اینکه ایشان موضوع را به رسیدگی در روال قانونی ارجاع دادند و مجمع تشخیص مصلحت به درستی با اجرای ۲ بند باقی‌مانده از ۴۱ مطالبه یکطرفه FATF مخالفت کرد. در واقع مشکل از طرف ایران نبود، بلکه طرف غربی به صراحت می‌گوید حتی با اجرای همه مطالبات FATF از ایران - که منحصر به ایران هم هست - تضمینی نیست که تحریمی برداشته شود اما ایران در این چهارچوب باید اطلاعات اقتصادی بیشتری به طرف مقابل بدهد که در خدمت خزانه‌داری و وزارت خارجه آمریکا برای تحریم‌های دقیق‌تر قرار گیرد. هر وقت هم از دولتمردان سوال شده چه تضمینی وجود دارد با پذیرش دو بند باقی‌مانده، تحریم‌ها برطرف شود، برخلاف وعده‌های برجامی، می‌گویند هیچ تضمینی وجود ندارد!! با این تفاصیل امثال آقای مرعشی باید پاسخگوی سوءمدیریت حادّی باشند که به مردم تحمیل کرده‌اند و رسما از افکار عمومی عذرخواهی کنند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* آمریکایی‌ها و عوامل آنان در داخل در توطئه علیه نظام و مردم تقسیم‌کار کرده‌اند. با هر فشار آمریکا عده‌ای در داخل نسخه سازش و صلح می‌پیچند. در تحمیل برجام سراسر خسارت محض هم به همین روش عمل شد و برای همه ملت گرفتاری درست کردند.

۰۹۱۲---۶۴۰۶

* گویا مظلومیت امام حسن(ع) تمامی ندارد. بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال آقای رئیس جمهور درصدد برآمده تمام سوءمدیریت‌ها و ناتوانی‌های چندین ساله خود را با صلح امام حسن(ع) توجیه کرده و راه فرار پیدا کند!

احمدزاده

* آقای رئیس‌جمهور به گونه‌ای از صلح صحبت می‌کنند که گویا چندین سال در جنگ با آمریکا بوده در حالی که وضعیف کنونی اقتصاد کشور حاصل برجام یعنی حاصل چندین سال مذاکره ایشان با آمریکایی‌هاست.

۰۹۱۲---۲۷۷۰

* با اینکه رشته تحصیلی آقای رئیس‌جمهور حقوق بین‌الملل می‌باشد با این حال در برجام شکست خورد، تصور بفرمایید وقتی در غیر رشته تحصیلی خود مثلاً در تاریخ ورود پیدا می‌کند چه اتفاقی می‌افتد! عرض بنده این است که ایشان تفسیر تاریخ زندگی امامان معصوم(ع) را به اهل آن بسپارد و در مدت باقی‌مانده از عمر دولت خود چند کار به نفع مردم انجام بدهند. این حاشیه‌سازی‌ها برای مردم نخ‌نما شده و ناراحتی از دولت را بیشتر می‌کند.

زاهد از رشت

* از جناب آقای محمدحسین رجبی دوانی که به خوبی به موضوع صلح امام حسن علیه‌السلام پرداختند تقدیر و تشکر می‌کنم، امیدوارم گوش‌های شنوایی برای شنیدن حقایق یافت شود.

علیمردانی

* ای کاش دولت به جای نظریه‌پردازی و تحریف تاریخ، گزارشی از اقدامات اقتصاد مقاومتی، واگذاری‌ها به افراد خاص به ثمن بخس و حقوق‌های نجومی، کاهش تورم، بیکاری، حل مشکل مسکن و مستأجرین و... با مردم سخن می‌گفت و کار تحلیل و تفسیر تاریخ را به اهل آن واگذار می‌کرد!

۰۹۱۹---۴۷۲۵۰ و ۰۹۱۲---۸۴۷۵

* می‌گویند امام حسن(علیه‌السلام) صلح کرد نمی‌گویند چرا تنها ماند و مجبور به صلح شد. ما حاج قاسم‌ها داریم. امام حسن را تنها نمی‌گذاریم که مجبور به صلح با دژخیمان شود.

۰۹۳۹---۳۱۲

* شنیده‌ها حاکی است که شورای شهر به جای گره‌گشایی از مشکلات کلانشهر تهران به حاشیه‌سازی در این روزهای آخر عمر خود روی آورده و هر از چند گاه صرفاً به نامگذاری چند خیابان و کوچه به نام افراد مسئله‌دار مبادرت می‌ورزد. طی این ۴ دهه انقلاب و قبل از آن حضور انسان‌های فرهیخته، هنرمند، استاد، عالم و شهید و... از جبهه مقاومت در این مرز و بوم افتخار آفریدند. حال چطور هر گاه یکی از افراد مسئله‌دار از دنیا می‌رود شورای شهر سریع دست به کار می‌شود؟!

شکیبا

* یکی از علل اصلی این گرانی‌ها وجود دلال‌هاست، اگر بازرسانی رسمی مأموریت یابند و بررسی کنند که مثلاً میوه از باغدار به چه قیمت خریداری بشود و با چه قیمتی به دست مصرف‌کننده باید برسد، می‌شود در عرض ۲ ساعت به این بازار سر و سامان داد. مردم واقعاً در تنگنا و سختی زندگی می‌کنند.

۰۳۱---۰۸۸۳

* از شهرستان یاسوج تماس گرفته‌ام. برای اطلاع مسئولین بنویسید فشار به زندگی عامه مردم بیداد می‌کند. تخم‌مرغ هم از سر سفره مردم حذف شده با چه چیزی شکم افراد خانواده را پر کنیم.

سعادت

* از شروع کرونا در کشور برخی متأسفانه با سوءاستفاده از موقعیت پیش‌آمده، فشار اقتصادی خود را بر مردم بیشتر کرده‌اند از جمله آنها برخی رانندگان تاکسی منطقه ۲۲ تهران (چیتگر). در حالی که مسیر میدان ساحل تا مترو چیتگر ۸-۷ دقیقه بیشتر زمان نمی‌برد و بار ترافیکی هم وجود ندارد و محدودیتی هم در سوار کردن مسافر ندارند. از مسئولین امر درخواست رسیدگی داریم.

جمعی از اهالی شهرک گلستان غربی منطقه ۲۲

* در سه‌راه آذری بین خطوط (رفت و برگشت) اتوبوس‌های تندرو را جدول‌گذاری می‌کنند. با این کار، اگر اتوبوسی خراب شود نه راه پیش دارد نه راه پس! با شورای شهر، شهرداری تهران و... تماس می‌گیریم می‌گویند به ما مربوط نیست! بروید شهرداری منطقه خودتان مطرح کنید؟!

بیگ‌زاده

* با توجه به وضعیت کرونایی کشور از دولتمردان درخواست می‌شود تعطیلات رسمی را تا محو این ویروس منحوس لغو نمایند تا برخی با سفرهای غیرضروری به گسترش این بیماری کمک نکنند.

محمد تاجیک- بازاری

* از دستگاه قضایی درخواست می‌شود برای جلوگیری از جعل اسناد عادی (دستنویس) نسبت به تبدیل آن به سند رسمی اهتمام ورزند. برای چنین موردی ۲ سال از عمرمان را در رفت و آمد به دادگاه سپری کردیم!

هم‌وطنی از اراک

* شرکت ایران خودرو در طرح تحویل سه‌ماهه خودرو، افراد ثبت‌نام شده را که تاریخ اعتبار گواهی‌نامه رانندگی آنان تمام شده باشد حذف می‌کند. می‌خواستم بنویسید این چه بازی است که بر سر مردم آورده‌اند؟ چرا هر روز روی اعصاب مردم راه می‌روند؟

۰۹۹۱---۸۸۲۶

* این دولت سال ۹۲ که روی کار آمد وعده برخورد با پدیده فساد در قراردادهای فوتبال و فوتبالیست‌ها را داد ولی هرچه جلو آمدیم این فساد بیشتر و بیشتر شد چندین سال است که با این وعده‌ها همه ما مردم را سر کار گذاشته‌اند.

۰۹۱۶---۴۹۵۸

* با قدردانی از اقدام به موقع حجت‌الاسلام حسینی همدانی، امام جمعه و نماینده ولی فقیه در کرج، درخصوص زیرگذر بدون خاصیت و بی‌مورد میدان جمهوری کرج به عرض می‌رسانم که این میدان سال‌ها محل تجمعات و جشن‌های ۲۲ بهمن و راهپیمایی‌های مختلف مردم شهیدپرور کرج بوده که با احداث این زیرگذر از حیز انتفاع ساقط می‌گردد، بنا به نظر مسئولین محیط‌زیست تعداد زیادی درختان کهنسال در این پروژه قطع می‌گردد. ضمناً شبیه همین زیرگذر در میدان ولی‌عصر(عج) به طرف درختی قبلاً اجرا شد که بنا به گفته کارشناسان گرهی را باز نکرد و فقط مخارج سنگین به مردم کرج تحمیل نمود.

۰۲۶----۵۶۸۴

* در جزیره قشم تجارت به دست اتباع کشورهای دیگر افتاده و کار دستگاه‌های دولتی تامین امنیت برای آنان شده است. نمی‌دانم به این سیاست دولت باید خندید یا گریه کرد.

۰۹۹۰---۳۲۱۱

* دفن اموات تهرانی و شهرستان‌های اطراف، در محل جدید، بعد از باقرشهر، در ضلع شرقی جاده قدیم تهران - قم انجام می‌شود، متاسفانه جاده اطراف قطعات جدید بدون خط‌کشی و روشنایی بوده آسفالت آن خیلی قدیمی و ترک خورده است و از طرفی دوربرگردان آن در فاصله دوری قرار گرفته است. از مدیریت محترم سازمان بهشت زهرا(س) خواهشمندیم این مشکلات را حل کنند.

۰۲۱----۱۶۱۳

* ما جمعی از بازنشستگان سازمان فنی‌حرفه‌ای کشور که در سال ۹۸ بازنشسته شده‌ایم و در تاریخ ۹۹/۷/۷ در ستون کیهان و خوانندگان برای بار سوم مشکلمان مبنی بر این که هنوز ۵۰ درصد مطالباتمان را دریافت نکرده‌ایم مطرح شد، اما برخلاف ارگان‌های دیگر کشور که جوابیه‌هایشان در همین ستون به چاپ می‌رسد، هنوز هیچ جوابی داده نشده است.

۰۹۱۱---۴۸۳۸